

فصلنامه علمی - تخصصی فرهنگ پژوهش

شماره ۱۴ و ۱۵، تابستان و پاییز ۱۳۹۲، ویژه فلسفه و کلام

نسبت ماهیت تکنولوژیک سینما با دین

تاریخ دریافت: ۹۳/۱/۲۹

تاریخ تأیید: ۹۳/۳/۴

محمدهادی مهدی یار*

چکیده: امروزه رسانه‌های گروهی از جمله سینما به عنوان محصولاتی از جهان مدرنیته شناخته می‌شوند. برخی از صاحب نظران رسانه، این امر را به عنوان یکی از مولفه‌های ذاتی سینما قلمداد نموده و برای آن آثار و پیامدهایی در نظر گرفته‌اند که به کارگیری این رسانه را در خدمت به دین در عمل ناممکن و غیرمطلوب جلوه می‌دهد. (که از آن به عنوان دیدگاه «ذاتگرایانه» یاد می‌شود). در مقابل قائلین به دیدگاه «ابزارانگاران» سینما را همچون ابزاری می‌بینند که می‌تواند در خدمت هر هدفی از جمله ترویج دین قرار گیرد. برخی صاحب نظران نیز با نقد سخت‌گیری دیدگاه ذاتگرایانه و نیز ساده‌اندیشی ابزارانگاران، سینما را دارای اقتضائات و خواصی می‌دانند که با تعدیل آنها امکان خدمتگزاری آن به دین فراهم خواهد آمد. در این مقاله که با روش اسنادی نگاشته شده است، نگارنده پس از نقل ادله قائلین به سه دیدگاه فوق در نهایت دیدگاه «اقتضایانه» را به عنوان نظریه مختار مورد پذیرش قرار داده است.

واژگان کلیدی: ماهیت رسانه، رسانه‌های تکنولوژیک، دین و رسانه، اخلاق و رسانه.

* کارشناسی ارشد مدرسی معارف اسلامی (گرایش اخلاق اسلامی) دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام



پښتو ښکلا ښکلا ښکلا ښکلا ښکلا ښکلا ښکلا ښکلا ښکلا ښکلا
پښتو ښکلا ښکلا ښکلا ښکلا ښکلا ښکلا ښکلا ښکلا ښکلا

ایشان سینما را به عنوان یکی از پدیده‌های فرهنگ غرب، پدیده‌ای قابل اهمیت، تأثیرگذار و در خور توجه می‌دانست. اختصاص حجم اصلی نوشته‌های ایشان به سینما و حجم عمده وقت روزمره‌شان به عمل فیلم‌سازی خودبه‌خود نشان‌دهنده اهمیت مقوله سینما در نظر و عمل اوست. سینما در نظرش مهم‌ترین هنر این روزگار و فیلم‌سازی، استفاده از تأثیرگذارترین رسانه موجود بود، و گرنه بیش از هزار صفحه چاپ شده و بیش از صد فیلم و برنامه تلویزیون از خود به جا نمی‌گذاشت. (معززی نیا، ۱۲)

نظریات ایشان توسط مرحوم محمد مددپور در کتاب‌هایی چون «سینمای اشراقی، سینمای دینی و هنر اشراقی شهید آوینی» و «سیر و سلوک سینما» و غیره مورد تایید و تمجید قرار گرفته است.

دغدغه‌های مقدس دینی آوینی در نگاشته‌هایش بر کسی پوشیده نیست. وی از یک سو با نگاهی عرفانی و اشراقی به تبیین انسان و تعریف ارزش‌های او می‌پردازد و در این زمینه از آیات و روایات نیز مدد می‌جوید، و از سوی دیگر با شناختی که از مقوله رسانه به خصوص سینما دارد سعی دارد تا آن را باز تعریف نموده و در نهایت نسبت این پدیده نو ظهور را با آن ارزش‌های والای انسانی مشخص نماید.

وی در تعریف ماهیت سینما جنبه‌های ذیل را مورد توجه قرار می‌دهد:

ماهیت سینما به عنوان یکی محصولات تکنولوژی غرب

ماهیت غفلت‌زایی سینما

ماهیت آرمانی و اسطوره‌سازی سینما



پښتو ښکته علمون انساني و مطالعات فرېښتې
پرتال جامع علمون انساني

معناست. ارزش تولیدات فنی، تابع میزان خدمتی است که به مقاصد و اهداف انسان می‌کند. محصولات و مصنوعات فنی با توجه به کاربردی که در زندگی انسان دارند، مقبولیت و مشروعیت می‌یابند. به بیان دیگر، از دید نظریه ابزاری، تکنولوژی ظرفی است که بدون هیچ‌گونه تعینی، مظلوف خویش را منعکس سازد. از دید ارسطو، دین به عنوان جهان نمادین ارزش‌های غایی، بیش از هر چیز دیگری برای هدایت فن‌آوری پیچیده در جهت نیل به اهداف مطلوب ضروری است. (جی کریستیانز، ۱۳۸۵، ۹۲)

از نظر معتقدان به دیدگاه محتوا محور، تکنولوژی ذاتاً نه خوب است و نه بد. بلکه همه چیز بستگی به این دارد که ما چگونه از تکنولوژی استفاده کنیم. (برنشتاین) آن‌گونه که آمسترانگ می‌گوید، از این ابزار برای انتقال کتاب مقدس یا داستان‌های دینی و سنتی می‌توان استفاده کرد. درست مانند یک تیغ که اگر به دست جراح باشد، سبب نجات جان آدمی می‌شود و اگر به دست جانی باشد به قتل می‌انجامد. پس با این رویکرد فن‌آوری تلویزیون بیش از تبلیغات سیاسی و تجاری می‌تواند به رستگاری انسان خدمت کند. (جی کریستیانز، ۱۳۸۵، ۹۱)

۱-۲- نظریه ذات‌گرایانه

در دیدگاه قائلین به نظریه ذات‌گرایانه محصولات تکنولوژیک از جمله رسانه‌های مدرن دارای خواص و ذاتیاتی هستند که محتوای خویش را خواه ناخواه تحت تاثیر قرار می‌دهند و این‌گونه نیست که قابلیت استفاده برای هر غایتی را داشته باشند. پیروان این نظریه در چپستی این ذوات تفاسیر مختلفی ارائه داده‌اند که در ادامه با تفصیل بیشتری به آن پرداخته خواهد شد.



پښتو ښکته علمون انساني و مطالعات فرېښتې
پرتال جامع علمون انساني

شده است. به اعتقاد هایدیگر هیچ جایی وجود ندارد که خلاقیت اخلاقی انسان بتواند بدون تعارض شکوفا گردد. چرا که انسان در هر حال در محیط فن آورانه‌ای قرار دارد که با آزادی وی در تعارض است. نهایت کاری که از انسان بر می‌آید مبارزه و پیکار مستمر است؛ بدون اینکه تضمینی برای موفقیت وجود داشته باشد. هر چند امکان موفقیت جزئی و ناپایدار از بین نرفته است. (جی کریستیانز، ۱۳۸۵، ۹۸-۱۰۳)

این متفکر به نکته‌ای اساسی در همان رساله «وارستگی» اشاره می‌کند. بدین مضمون که آن چیزی که جهان را در معرض خطر قرار داده، نه جنگ جهانی سوم است و نه انفجار بمب هسته‌ای، بلکه آنچه از همه خطرناک‌تر است، سیطره تفکر حسابگرانه تمتع آمیز و تمتع طلبانه تکنیکی بشر در رابطه جهان است، و این که بالاخره روزگاری تفکر حسابگرانه تنها طریق اندیشیدن در جهان ما شود. «تفکر تکنیکی» هم ممیزه نهایی اش، همین «تمتع آمیزی» است. یعنی به جهان چنان نگاه کنیم که فایده‌ای برای ما داشته باشد. (مددپور، ۱۳۸۴، ۱۹)

هایدگر معتقد است که جهان‌بینی مبتنی بر ابزارانگاری باید واژگون شود. او با نقد و بررسی مبنای هستی‌شناختی فن‌آوری، الگوی ابزارانگاری را ویران می‌کند. او برخلاف دیدگاه سنتی ارسطویی، فن‌آوری را امری هستی‌شناختی می‌داند و معتقد است فن‌آوری با ساختار وجودی انسان عجین شده است. (انصاری فر، ۱۳۷۶، ۱۲۹)

در دیدگاه هایدیگر، فن‌آوری اسم نیست، بله فعل و فرآیندی است که در آن وجود انسان به صورت مرتبط با طبیعت شکل می‌گیرد. فن‌آوری و انسان همانند معجونی خوراکی در هم آمیخته و با هم ترکیب شده‌اند. (الگوی مطبوعات اسلامی، ۱۳) از نظر هایدیگر خنثی پنداشتن



پروپوزیشن کاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

جهت منتقد اساسی حضور دین در رسانه (تلویزیون) است. پستمن معتقد است که تلویزیون دارای لحن سرگرمی و وقت‌گذرانی است و در واقع دارای ماهیت این جهانی می‌باشد. (پستمن، ۱۹۵) در حقیقت وی مخاطب‌گرایی رسانه را مانع اصلی حضور دین در رسانه قلمداد می‌کند:

«هیچ یک از بنیانگذاران مذهبی نه بودا و نه موسی علیه السلام و نه عیسی علیه السلام و نه محمد صلی الله علیه و آله و نه حتی لوتر، هیچ دم هرچه را که مردم می‌خواستند به آنها هدیه نمی‌کردند. بلکه چیزی را به آنها عرضه می‌داشتند که برای آنها ضروری و مفید بود.» (عباسی، ۹۱)

سپس نتیجه می‌گیرد پرداخت تلویزیون به امور غیر سرگرمی نه تنها مفید نخواهد بود بلکه زیان آور است:

«خطر تلویزیون در نظامی که رسالت این وسیله ارتباط جمعی، سرگرمی و تفریح و ایجاد شادی و سرور در بیننده است، در این است که بخواهد به مقولات جدی و اساسی نظیر اخبار، سیاست، آموزش، علم، اقتصاد، مذهب و... بپردازد.» (مدنی مبارکه، ۱۳۹۰)

۲-۴- نظریات شهید آوینی

مقالات ایشان در موضوعات سینمایی بیشتر در مجلات فارابی و سوره به چاپ رسیده است. هرچند عمده نظریات ایشان در باب چیستی سینما و نسبت آن با دین، در جلد اول کتاب «آینه جادو» و به خصوص، در مقاله‌ای مفصل با عنوان «تاملی در ماهیت سینما» بیان شده است. همانطور که قبلاً ذکر شد، ایشان بر این رویکرد خویش دلایل متعددی ذکر می‌نمایند؛ اما در این مجال نگاه ایشان تنها از این منظر که رسانه‌های امروز (به خصوص سینما) محصول تکنولوژی غربی هستند مورد بررسی قرار می‌گیرد.



پښتو ښکته علمون انساني و مطالعات فرېښتې
پرتال جامع علمون انساني

دیدگاه بادیدگاه اسلامی که اصالت انسان را به روح وی و بدن را مرکوبی بیش نمی‌داند در تضاد کامل می‌داند.

«سینما مستقیماً از آن نظر که یکی از مظاهر تمدن غرب است مستقیماً مبتنی بر علوم انسانی است. در این نحوه نگرش که مع الاسف در عالم کنونی عمومیت یافته، انسان اصالتاً حیوان است و نطق و عقل صرفاً وجه تمیز او است از سایر حیوانات. با این تعریف، حقیقت وجود انسان در حیوانیتش به ظهور می‌رسد، حال آنکه در تفکر اسلامی بالعکس، حقیقت وجود انسان در اعراض از تعلقات حیوانی و تنزه از ضعف و نقص رخ می‌نماید. بدن حیوانی مرکوبی است که خلق شده تا انسان را از صراط دنیا بگذراند و او را از دامگه حادثه، به بهشت اعتدال بازگرداند. بشر قرن‌ها است صورت و ماده وجود خویش را با یکدیگر اشتباه کرده و چگونه ممکن است فی‌المثل، سینما و تلویزیون از این اشتباه عام و کلی مبری باشند؟ چرا باید تصور کنیم که در غرب، بعضی امور از این اصل کلی فلسفی تبعیت دارند و بعضی دیگر ندارند؟... اهمیت مطلب در آنجا است که اگر ما بخواهیم مظاهر کنونی تمدن غرب را در خدمت اهداف متعالی اسلام استخدام کنیم باید بتوانیم پیش از هر کار، نیازهای حقیقی انسان را از نیازهای کاذبش تشخیص دهیم و این کار جز با عنایت به غایات کمالی انسان ممکن نیست. فی‌المثل چرا امروز برای توسعه یافتگی اقتصادی اهمیتی اینچنین قائل می‌شوند؟ مگر تکامل انسان در توسعه اقتصادی است؟ اگر آنچنان که حق طلبی اقتضاء دارد، تکامل انسان را در تعالی روحی و رشد معنوی بدانیم، آیا باز هم توسعه یافتگی اقتصادی را به مثابه غایت قسوای اقوام و حکومت‌ها خواهیم پذیرفت؟ اگر انسان از طریق توسعه تکنیک به کمال معنوی و الهی خوش یعنی به مقصد نهضت انبیاء، دست می‌یابد که هیچ؛ وگرنه باید جدا در این معنا به تامل و تعمق بنشینند و طریقی اختیار کند که توسعه اقتصادی حجاب تکامل معنوی نشود.» (آوینی، ۱۳۷۲، ۲۲۱)



پروپوزیشن گاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

یا فرهنگ تکنولوژی می‌نامند. اگر کسی بیندیشد که فرهنگ صنعتی شدن را می‌توان با هر فرهنگ دیگری مغایر آن در یک جا جمع آورد سخت در اشتباه است. چنین کسی دانسته یا ندانسته فرهنگ غرب را عین کمال یا عین اسلام می‌انگارد؛ غافل از آن که اگر اینچنین باشد، روشن است که ضرورت هر نوع تغییر و تحولی در وضع موجود از بین می‌رود و داعیه‌ای برای انقلاب دینی برجای نمی‌ماند.

ولکن ما داعیه‌دار انقلاب اسلامی در جهان امروز هستیم و اولین نتیجه ضروری این داعیه آن است که ما کمال بشر را در غایات دیگر جستجو کنیم و بخواهیم در وضع موجود با عنایت بدان غایات تحولاتی اساسی ایجاد کنیم. اگر کسی می‌انگارد که تکنولوژی ثمره نهضت انبیاء است که هیچ... و اگر نه باید دل به غایات متعالی انبیاء بسپارد و در پرتو این نور به جهان اطراف خویش بنگرد. کمال انسان در قرب حق است و سالک این طریق، هرگز نباید این حقیقت را از یاد ببرد.» (آوینی، ۱۳۷۲، ۱۸۰)

۲-۴-۵- پیوند ذاتی ظرف و مظروف در سینما

در نهایت آوینی از آن مقدمات به این نتیجه می‌رسد که سینما در ذات خود با فرهنگ کفرآمیز غربی قرابتی نزدیک‌تر نسبت به دیگر فرهنگ‌ها از جمله فرهنگ اسلامی دارد؛ فلذا استفاده از آن در راستای اشاعه دین با مشکلات فراوانی همراه خواهد بود. در نظر ایشان مواجهه با سینما به مثابه ظرفی که هیچ تاثیری در مظروف خویش ندارد بسیار ساده‌انگارانه است و لذا وی تعبیر «سینمای اسلامی» را به هیچ وجه بر نمی‌تابد.

«با توجه به مقدماتی که آمد، باید دانست که سینما، ماهیتاً با کفر و شرک نزدیکی بیشتری دارد تا اسلام. نسبت سینما با حق و باطل یکسان نیست و از این لحاظ، استفاده از سینما در خدمت اشاعه دین و دینداری، با دشواری‌های خاصی همراه است که اگر مورد غفلت واقع شود، اصل مطلب منتفی خواهد شد. استفاده از تعبیر «سینمای اسلامی» هنگامی درست است که سینما ماهیتاً در نسبت میان حق و باطل بی‌طرف باشد؛ حال آنکه این چنین نیست.



پښتونستان ښار علمي او مطالعاتي مرکز
پرتال جامع علوم انساني

«به اعتقاد نگارنده (آوینی) تعبیر سینمای اسلامی درست نیست. سینما شاید آن چنان که هست مسلمان شدنی نباشد، اما می‌توان آن را به خدمت اسلام درآورد و این وظیفه‌ایست گران بر گرده ما. و در این راه نخستین قدم تکنیک سینما، حجاب محتوای آن خواهد شد. حال آن که در سینما به آن مفهوم که اکنون وجود دارد تکنیک فی نفسه همان محتوا است. مارشال مک لوهان همین معنا را با همین تعبیر «وسیله همان پیام است» بیان می‌کند. و نباید تصور کرد که او اشتباه کرده است. او در این سخن از ماهیت وسایل ارتباط جمعی^۵ رسانه‌های گروهی - پرده برداشته است و نگارنده (آوینی) هیچ سخنی از غربی‌ها نشنیده است که با این بلاغت از عهده بیان مطلب برآمده باشد. وسیله و پیام در رسانه‌های گروهی یک چیز است و بنابر این نباید سینما یا تلویزیون را چون ظروفی مجوف تصور کرد که می‌توانند هر محتوایی را بپذیرند. (آوینی، ۱۳۷۲، ۱۹۱)

«محصولات تمدن غرب، همگی کم و بیش، صورت‌هایی مجسم از فرهنگ غرب هستند و آن چه مارشال مک لوهان در این باره می‌گوید، درست است. به اعتقاد من اگر با چشم حکمت به محصولات تکنولوژیک بنگریم، کامپیوتر را بسیار خطرناک‌تر از ویدئو خواهیم یافت.» (آوینی، ۱۳۷۲، ۱۲۲)

۲-۴-۷- لزوم گریز از غایات و نظامات تکنوکراسی

در نهایت سازنده مستند ارزشمند روایت فتح این‌گونه نتیجه‌گیری می‌کند که «تکنوکراسی» به معنای پذیرش ولایت تکنیک از لوازم اصلی تمدن غربی به شمار می‌رود که در نهایت همه جوامع را به سوی فرهنگ حیوانی غرب سوق می‌دهد و این فرایند با آرمان‌های مدینه اسلامی به شدت ناسازگار است و این همان ماهیت سینما است که به آسانی رنگ و بوی دین به خود نخواهد گرفت.

«تکنوکراسی که از لوازم اصلی این تمدن است، ایجاباً همه جوامع بشری را به سوی فرهنگ، غایات، نظامات و دستورالعمل‌های خاصی می‌کشاند که جز ولایت اهل ولایت را از



پښتو ښکته علمون انساني و مطالعات فرېښتې
پرتال جامع علمون انساني

مخالفتان نظریه ذات گرایانه و دلایل آنها

بسیارند محققانی که بر نظریه ذات گرایانه انتقادهایی وارد نموده‌اند و صاحبان آن نظریه را در مسیر صواب نمی‌دانند. هرچند برخی با نگاه ابزارانگاری و برخی از منظر اقتضاگرایی به این بحث پرداخته‌اند؛ اما در نقد رویکرد ذات گرایانه در یک جبهه قرار دارند.

۳-۱- پارادوکس عدم تفکیک تکنیک از معنا و لزوم آن در آثار آوینی

از نظر برخی منتقدین نظریات شهید آوینی، نوشته‌ای ایشان حاوی برخی تناقضات است. برای نمونه، هنگامی که گفته می‌شود سینمای انقلاب اسلامی باید صورتی دیگر بپذیرد، منظور از صورت در اینجا می‌تواند چیزی غیر از تکنیک باشد؟ و اگر منظور آوینی را از صورت، تکنیک بدانیم باید نتیجه بگیریم، انقلاب اسلامی باید تکنیک جدید سینمایی بیافریند و اگر بگوییم صورت در اینجا به معنای محتوا است که نقض غرض است. چون آن وقت محتوای انقلاب اسلامی زیر سؤال می‌رود. بنابراین، اگر تکنیک غربی سینما به فرهنگ متناسب با آن ختم می‌شود، نتیجه منطقی آن این است که ما هیچ‌گاه نمی‌توانیم از تکنیک غربی‌ها در جهت ارزش‌های خودمان بهره‌گیری کنیم. ... آوینی در ادامه طرح نظریات خود هرگاه به محل پارادوکس می‌رسد با دیدگاه‌های فلسفی غنی شده از ایدئولوژی عبور می‌کند و برای تعقیب‌کننده‌اش چیزی جز حسرت به جا نمی‌گذارد. در یک ارزیابی نهایی، آوینی وظیفه هنر را تبلیغ به معنای قرآنی آن می‌داند. (آوینی، ۱۳۷۲، ۱۷) ... اما دشواری‌های نظری در دیدگاه آوینی به یک وضعیت پارادوکسیکال منتهی شده است که از یک سو تکنولوژی را حامل فرهنگ غربی می‌داند و از سوی دیگر خواهان آنست که تکنولوژی سینما را در خدمت «تبلیغ قرآنی» درآورد. چنین تناقضی هیچ‌گاه در مقالات آینه جادو حل نمی‌شود. اگرچه، آوینی در قلمرو مباحث نظری موفق به رفع وضعیت پارادوکسیکال خویش نمی‌شود، اما در حوزه تولید و



پروپوزیشن کاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

و کار می‌کند. نبوغ جامعه‌ء انسانی در امتداد تاریخ است که به این شکل درآمده است.»
(تاجدینی، ۱۳۷۸، به نقل از: مباحث اقتصادی، ۵۶)

آن‌چه قابل انتقاد است و باعث متشابهاات و ابهامات شده تفسیرهای غلط فلسفی در غرب است. علم جدید که فی نفسه پاکیزه است در بستر اندیشه‌ها و جریانات فکری واقع شده که بشر غربی را به انحطاط دعوت می‌کند. بنابراین ملازمه‌ای میان تکنولوژی و فلسفه غرب نیست تا نوبت به نفی تکنولوژی برسد.

شهید مطهری از این ملازمه اظهار تأسف می‌کند:

«اینجانب حقیقتاً وقتی که جریان تاریخ علم را در قرون جدید، کم و بیش مطالعه می‌کنم و متوجه رنگ مخصوصی که فقط طرز تفکر فلسفی خاص دانشمندان به جریان پاک و پاکیزه علم داده است می‌شوم سخت متأثر و افسرده می‌گردم» (تاجدینی، ۱۳۷۸)

روشن است که اگر سینما را اولاً تکنولوژی بدانیم و ثانياً ابداع آن را به غربیان نسبت دهیم و هیچ سهمی برای گذشتگان در پیدایش سینما قائل نباشیم و آن را معلول صددرصد تمدن غربی بدانیم و ثالثاً ریشهء تمدن غرب را در تمدن قبل از خود ندانیم؛ ریشهء غرب را در پیدایش فلسفه‌ای چون دکارت بدانیم و رابعاً جوهر فلسفه غرب را در تقابل با خدا بدانیم، ناگزیر سینما را نمی‌توان با اسلام در کنار هم نشانند. اما همان‌طور که قبلاً گفتیم، این سخنان بیش‌تر به شعر شباهت دارد تا حکمت. اگرچه باید اعتراف کرد که سخنان بسیار با ارزشی در این اندیشه یافت می‌شود اما پیش‌فرض‌های بنیادین آن صحیح نیست. (تاجدینی ۱۳۷۸)



پروپوزیشن کاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۳-۴- تکنولوژی محصول فطرت الهی نه مادی گرایی

از نگاه پناهیان، سرمنشاء پیشرفت‌های تکنولوژیک امروزی، نه علوم انسانی و فلسفه مادی‌گرای غرب، بلکه فطرت جستجوگر انسان است.

«بشر به این صنعت رسیده. باید دید چقدر مادی‌گرایی او عامل این پدیده شده و چقدر فطرت بشر در خلق سینما موثر بوده. فطرت بشر یک امر الهی است و همیشه ابزاری را در اختیار انسان قرار می‌دهد که برای تعالی انسان مفید است، ولی انسان‌ها معمولاً از گرایش‌های فطری خوب هم، بد استفاده می‌کنند. مانند میل به جاودانگی و بی‌نهایت طلبی؛ که آدم‌ها از این دو برای بیشتر ماندن در این دنیا و ظلم بی‌حد به دیگران استفاده می‌کنند. اگر روح جست‌وجوگر انسان و یا هر گرایش فطری دیگر، انسان را به سمت چیزی سوق بدهد مطمئن باشید راه استفاده‌ی خوب از آن چیز وجود دارد؛ اگرچه اکثراً از آن استفاده‌ی بد شده باشد. من سینما را بیشتر از این که محصول مادی‌گرایی انسان غربی بدانم، محصول فطرت جست‌وجوگر بشر می‌دانم، که به خوبی می‌تواند و باید در خدمت تعالی انسان قرار بگیرد... [ناپاک بودن سابقه تاریخ سینما] به خاطر استفاده‌ی غلط از سینماست. ما در مقام تشخیص ماهیت سینما نباید به کاربرد آن نگاه کنیم، بلکه در طول تاریخ گاهی اوقات دین دستمایه‌ی ستم‌های فراوان به بشریت بوده است، آیا این موجب آن می‌شود که دین را آزاد کننده‌ی بشر از ظلم و ستم ندانیم؟ (پناهیان، گروه مجلات همشهری)

۳-۵- نگاه تک بعدی و تکیه بر تجارب غربی در نظریه ذات‌گرایانه

دکتر مولانا در نقد رویکرد ذات‌گرایانه معتقد است نگاه تک بعدی تنها از زاویه تکنولوژی به رسانه و عدم توجه به اهداف و انگیزه‌های استفاده از رسانه از معایب آن به شمار می‌رود. عدم پویایی آن نظریه را نیز باید به نواقص آن افزود.

«نظریه جبر تکنولوژی تا آنجا که به فرهنگ و وسایل ارتباط جمعی مربوط می‌شود از دو ضعف درونی رنج می‌برد. نخست آنکه تنها یک جنبه رسانه-جنبه مادی و فنی آن-



پښتونستان ښار
پښتونستان ښار
پښتونستان ښار

۳-۷- شکوفایی مجدد دین در جهان مدرنیته

عیب این دیدگاه [ذاتگرایانه]، این است که تصوّر می‌کند دین همان است که در سابق بوده و بعد از غلبه صنعت و ماشین و دنیای به اصطلاح جدید، دین افول کرده است و دیگر نیز قرار نیست مجدداً، طلوع کند. حال، اگر این دیدگاه مخدوش است و قطعی و حتمی است که آفتاب دین بار دیگر طلوع کند و زمین و زمان را به نور خداوند روشن سازد، دیگر چه جای تردید وجود دارد که آیا تکنولوژی و فن می‌تواند در خدمت دین قرار گیرد یا خیر، آیا سینما و تلویزیون می‌توانند دینی شوند یا خیر. اگر قرار است ما سینما و تلویزیون را ظرف‌هایی ندانیم که می‌توانند پذیرای مظلوف حق باشند، به طریق اولی، باید معتقد باشیم که دنیای صنعتی و ماشینی موجود، امکان ندارد که تحت سیطره دین قرار گیرد. (قائم مقامی، ۱۳۷۵، ۲۹)

۳-۸- عدم تعارض نوگرایی با دین در آرای امام خمینی علیه السلام

رهبر کبیر انقلاب حضرت امام خمینی در مواردی عدم مخالفت خویش با نوگرایی را مطرح نموده و اذعان داشته‌اند که قیام بر علیه رژیم شاهنشاهی نه برای مخالفت با تمدن و تجدد و مظاهر آن، بلکه به دلیل مخالفت با نحوه به کارگیری غلط آنها می‌باشد. ایشان به خصوص در مورد رسانه‌های جمعی به صراحت می‌فرمایند:

«ما با سینما مخالف نیستیم، ما با رادیو مخالف نیستیم، ما با تلویزیون مخالف نیستیم. ما با مرکز فحشا مخالفیم، با آن چیزی که در خدمت اجانب برای عقب نگه‌داشتن جوانان و از دست دادن نیروی انسانی است مخالفیم، سینما یکی از مظاهر تمدن است که باید در خدمت این مهم باشد». (۱۳۵۷/۱۱/۱۲)

«رسانه‌های گروهی به ویژه صدا و سیما، این مراکز آموزش و پرورش عمومی می‌توانند خدمت‌های گرانمایه‌ای را به فرهنگ اسلام و ایران نمایند». (صحیفه نور، ج ۱۹، ۱۱۰) ما



پښتونستان ښار
پښتونستان ښار
پښتونستان ښار

۳-۱۰-۱- دکتر مولانا. نظریه همگرایی

دکتر حمید مولانا با ارائه نظریه «همگرایی» سعی نموده‌اند تا تعامل نهادهای سنتی و ارزشی با تکنولوژی‌های ارتباطی روز را تبیین نمایند:

۳-۱۰-۱- انطباق زیر ساخت‌ها و نهادهای سنتی با فن‌آوری‌های نوین در نظریه همگرایی
ایشان نه تنها جدایی میان نهادهای ارتباط سنتی و مدرن را نمی‌پذیرند، بلکه معتقدند به خصوص در ایران زیر ساخت‌ها و نهادهای ارتباطات سنتی در حقیقت تکمیل‌کننده فرایند ارتباط در رسانه‌های مدرن به شمار رفته و در این راستا می‌توانند مبنای محقق شدن اهداف توسعه را به خوبی فراهم آورند.

«معنای همگرایی ارتباطات سنتی و مدرن این است که مجاری نوین ارتباطی متکی به تکنولوژی، از مجاری ارتباطات سنتی و بومی که در فرهنگ و جامعه ریشه دارد، جدا نشده است. زیرساخت‌های ارتباط سنتی، مکمل وسایل ارتباط جمعی و تکنولوژی نوین ارتباطی‌اند... به این ترتیب زیر ساخت‌ها و نهادهای ارتباط سنتی که با توسعه تکنولوژی نوین قابل انطباقند به لحاظ روابط همگرا هستند و صرف نظر از آینده‌ای که به وجود می‌آید بهترین مبنا را برای تحقق اهداف توسعه فراهم می‌سازند.»

۳-۱۰-۲- عدم اعتبار جبر تکنولوژی به واسطه مشروعیت بخشی دین به رسانه در ایران
ایشان در تبیین نظریه خود می‌فرمایند:

«دیدگاه جبر تکنولوژی که اغلب در ادبیات سکولار غرب مورد بحث قرار می‌گیرد و برای تلویزیون به عنوان پرقدرت‌ترین و اقناع‌کننده‌ترین ابزار ارتباطات مدرن و تاثیرگذار بر فرهنگ عمومی نقش فراوانی قائل می‌شود، در خصوص ایران اعتبار چندانی ندارد... در غرب و به‌ویژه آمریکا چنین گفته می‌شود که تلویزیون کارکردی آیینی دارد که با دین قابل مقایسه است. اگر در ایالات متحده، در اروپا تلویزیون دین است، در ایران این دین است که برای



پروپوزیشن کاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

در یک قضاوت کلی می‌توان گفت که نظریه ابزارانگاری همان‌طور که شهید بزرگوار معتقد است، نظریه‌ای ساده‌اندیشانه به شمار می‌رود. مقایسه ساختار پیچیده رسانه، در امکان یا عدم امکان انتقال مفاهیم اخلاقی، با مثال ظرفی که در محتویات خویش هیچ تاثیری ندارد به شدت مع‌الفارق است. چرا که همان‌گونه که آوینی ماهیت سینما را تصویر می‌نماید، خواه ناخواه خواصی چون مسحور کنندگی، عدم واقع‌گرایی سینما، اسطوره‌سازی آن و... مانع از آن خواهند بود که یک پیام اخلاقی بدون هیچ تغییر و در راستای اهداف والای خود از کانال ارتباطی سینما عبور نمایند. این تذکر شهید آوینی در مورد اینکه اگر افرادی ولو با انگیزه بالا در راستای تبلیغ دین بدون شناخت از لوازم و ماهیت سینما پا در این عرصه بگذارند، ممکن است بیش از اینکه خدمت کنند ضرر بزنند، کاملاً به جا است. اما نکته قابل تامل در این مسئله این است که آیا این تاثیرات، به آن میزان عمیق و تعیین کننده هستند که مانع از انتقال تاثیر محتوای اخلاقی فیلم شده، در نهایت تاثیری غیر اخلاقی بر مخاطب گذارند؟ به گونه‌ای امکان سینمای دینی را عملاً زیر سوال ببریم؟!

اما در خصوص بحث «سینما به عنوان محصول فن‌آوری عصر مدرن» - که در این مقاله به تفصیل به آن پرداخته شد و شاید مهم‌ترین دلیل شهید آوینی و دیگر ذات‌گرایان برای ناپاک دانستن ذات سینما به شمار می‌رود - باید گفت که نظریه ذات‌گرایانه نیز مانند نظریه ابزارانگاری مورد پذیرش کامل نیست، زیرا:

اولاً: آنچه به عنوان کلیت و یکپارچگی تمدن غرب و عدم امکان انفکاک ایدئولوژی آن از محصولاتش ذکر شد - که اصلی مهم در نظریه ذات‌گرایی به شمار می‌رود - صرفاً ادعایی است که دلیلی بر اثبات آن ارائه نمی‌شود.



پښتو ښکته ځاښه علوم انساني و مطالعات فرښکته
پرتال جامع علوم انساني

«روایت فتح» ساخته شهید آوینی، خود یکی از نمونه‌های برجسته در این حوزه به شمار می‌رود.

در یک جمع‌بندی کلی باید گفت که نه ساده‌پنداری نظریه ابزارانگاری پذیرفتنی است و نه سخت‌گیری نگاه ذات‌گرایانه. بلکه می‌توان با رویکردی اقتضاگرایانه تفسیری صحیح در نسبت رسانه‌های تکنولوژیک از جمله سینما با دین ارائه نمود.

بر طبق این نظریه، رسانه نیز همانند هر مصنوع تکنولوژیک دیگر، اقتضات، ظرفیت‌ها، امکانات و محدودیت‌های خاصی دارد که می‌توان با بررسی و شناخت دقیق آنها و مدیریت و مهندسی متناسب، از حداکثر قابلیت رسانه در انتقال پیام دین بهره‌گیری نمود. تردیدی نیست که بخشی از این اقتضا، از ویژگی‌های طبیعی و محدودیت‌های ذاتی رسانه ناشی شده و قاعدتاً تغییرناپذیر و تعیین‌بخش خواهد بود و بخشی نیز، محصول درجه رشد و سطح تکامل رسانه و به بیانی ظرفیت‌های شناخته شده آن است که به دلیل ماهیت پویا و امکان خلق و کشف قابلیت‌های جدید، همواره امکان تغییر و توسعه آن وجود دارد. علاوه اینکه، قابلیت‌ها و اقتضات موجود رسانه به تبع اوضاع و شرایط متغیر فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، مذهبی و... جامعه استفاده‌کننده، همواره امکان قبض و بسط داشته و همه جوامع به یک اندازه از ظرفیت شناخته شده و بالفعل نیز استفاده نمی‌کنند. لازم به ذکر است که تصرف در اقتضات یک رسانه، دادن محتوای جدید، به کارگیری آن در عرصه مختلف و... مستلزم شناخت توأمان قابلیت‌ها و ظرفیت‌های تکنولوژیک و ساختاری رسانه و ماهیت پیام منتخب برای انعکاس در رسانه است. (شرف‌الدین)

نتیجه اینکه سینما به عنوان هنری تکنولوژیک و امروزی، نه تنها از این جهت که زاینده تمدن غربی است با مبانی دینی ناسازگاری ذاتی ندارد، بلکه با به‌کارگیری صحیح، می‌تواند به عنوان فراگیرترین و موثرترین سفیر فرهنگ اسلامی در سرتاسر جهان ایفای نقش نماید.



پښتونستان د علومو او انساني مطالعاتو فریښتی
پرتال جامع علومو انسانی